



برگردان به فارسی:

مرتضی اسدی غلامرضا زارعی مینا فرنود احمدی

خلاصه اجرایی

در پاسخ به افزایش تقاضا برای اطلاعات توسط فعالان بازار سرمایه (IFAC . 2022) ، یک حرکت جهانی برای بهبود الزامات گزارشگری مالی پیرامون موارد مربوط به سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان از قبیل پایداری و دارایی‌های نامشهود وجود دارد.

همانطور که سیاستگذاران این افق‌های گزارشگری را بررسی می‌کنند، چالشی که با آن روبرو هستیم ارتقای ویژگی مربوط بودن بدون ازدست دادن مزیت رقابتی منحصر به فرد گزارشگری مالی تنظیم شده به عنوان معتبرترین منبع اطلاعاتی در بازار است (داورن و همکاران، ۲۰۱۸، ۲۰۱۹a).

هدف از این مطالعه پرداختن به این چالش و ترسیم مسیری برای گزارشگری مالی بهبود یافته است که بتواند نیازهای اطلاعاتی در حال تحول فعالان بازار سرمایه را برآورده کند و اطمینان حاصل شود که گزارشگری مالی، مربوط و قابل اتکا باقی می‌ماند.

با استفاده از گروه‌های متمرکز و مصاحبه با سهامداران، «هرم گزارشگری» را از شناخت و اندازه‌گیری کامل تا افشای اجباری و داوطلبانه بررسی می‌کنیم. ما چالش‌های گزارشگری مالی را در دو حوزه موضوعی بررسی می‌کنیم: **پایداری و داراییهای نامشهود** (ما همچنین اطلاعات مربوط به ریسک/آینده‌نگری را نیز در نظر گرفتیم اما متعاقباً بعنوان بخشی که در گزارشگری مالی بهبود یافته در مورد پایداری و داراییهای نامشهود مشاهده می‌کنیم).

یافته‌های ما تفاوت‌های ظریفی در مسائل عدم قطعیت اندازه‌گیری و اعتبار گزارشگری مالی را برجسته می‌کند. ما شواهدی داریم که شناخت و اندازه‌گیری، بررسی دقیق روی کیفیت داده‌های اساسی را که

ورودی گزارشگری مالی هستند، افزایش می‌دهد. این شواهد انگیزه‌ای قوی برای افزایش نیازهای شناخت و اندازه‌گیری به جای گسترش الزامات افشا، فراهم می‌کند.

در مورد گزارشگری مربوط به پایداری زیست‌محیطی و انتشارکربن، متوجه می‌شویم که عدم قطعیت اندازه‌گیری بیشتر توسط عدم قطعیت نظارتی هدایت می‌شود. چنین عدم قطعیتی ارزیابی آثار مالی را چالش برانگیز می‌کند. در مقابل، ویژگی‌های فیزیکی (به عنوان مثال، جداسازی کربن^۱ یا انتشار کربن) را می‌توان با درجات نسبتاً بالایی از دقت اندازه‌گیری کرد.

علاوه بر حمایت از شناخت و اندازه‌گیری بیشتر، شواهدی پیدا می‌کنیم که نشان می‌دهد شناخت، در جایی که اعداد اندازه‌گیری مبتنی بر قضاوت و برآوردهای ذهنی^۲ هستند، برای سرمایه‌گذاران حاوی اطلاعات مفید است. این شواهد به وضوح اطلاعات گزارش شده بستگی دارد – چه عینیت و قابلیت تأیید کمتری داشته باشند^۳ چه عینیت و قابلیت تأیید بیشتری داشته باشند یا عینی باشد.

^۱ carbon sequestration

^۲ Soft-Data اصطلاحات "اطلاعات نرم" و "اطلاعات سخت" به میزان عینیت و قابلیت تأیید داده‌های مالی گزارش شده اشاره دارند:

اطلاعات نرم:

داده‌ها یا برآوردهایی که شامل قضاوت، اختیار مدیریتی یا ذهنیت هستند. این ارقام تأییدپذیری کمتری دارند و ممکن است بر اساس فرضیات، مدل‌ها یا برآوردهای مدیریتی ارائه شوند.

مثال‌ها:

- برآوردهای ارزش منصفانه
- زیان‌های اعتباری مورد انتظار
- محاسبات کاهش ارزش سرقفلی

اطلاعات سخت:

داده‌هایی که عینی، قابل تأیید و مبتنی بر حقایق مشخص هستند. این ارقام کمتر تحت تأثیر قضاوت شخصی قرار می‌گیرند و می‌توان آنها را با شواهد روشن حسابرسی کرد.

مثال‌ها:

- بهای تمام‌شده تاریخی
- مانده‌های نقدی
- مقادیر واقعی تراکنش‌ها

در این متن، استدلال این است که حتی اگر ارقام اندازه‌گیری "نرم" (یعنی برآوردهای ذهنی) باشند، باز هم شناسایی این ارقام در صورت‌های مالی می‌تواند اطلاعات مفیدی برای سرمایه‌گذاران ارائه دهد — اما فقط در صورتی که اطلاعات گزارش شده شفاف و واضح باشد.

این امر پیامدهایی برای دامنه قضاوت تهیه کنندگان گزارشگری مالی و افزایش نیاز به اطمینان بخشی متخصص مربوط دارد. همچنین بر نقش اصول در مقابل قواعد محدود در تنظیم گزارشگری مالی تأکید می کند و در عین حال اطمینان می دهد که قابلیت مقایسه و یکنواختی، بیخود به خطر نمی افتد.

به طور خلاصه، ما آینده روشنی را برای گزارشگری مالی در مورد طیف گسترده تری از اقلام نسبت به گذشته می بینیم. در مسیر ما، عدم قطعیت اندازه گیری به عنوان یک مانع چالش برانگیز برای گزارشگری مالی تلقی نمی شود، بلکه فرصتی است برای تأکید مجدد بر نقش اساسی قضاوت حرفه ای در تمام جنبه های گزارشگری مالی (تهیه، اطمینان بخشی و استفاده).

مقدمه

گزارش های مالی به طور عمومی به عنوان ابزار اصلی که شرکت ها از طریق آن اطلاعات را به سرمایه گذاران منتقل می کنند، با تأکید بر عملکرد و وضعیت مالی آنها، پذیرفته شده است (CPA استرالیا ۲۰۱۹).

با این حال، در سال های اخیر در مورد اینکه آیا گزارش های مالی به شکل فعلی شان می توانند به نیازهای اطلاعاتی در حال تحول سرمایه گذاران در یک محیط کسب و کار به طور فزاینده پیچیده پاسخ دهند، بحث هایی وجود داشته است.

برای کسانی که ادعا می کنند مربوط بودن گزارشگری مالی قانونی رو به کاهش است (به عنوان مثال، لیو و گئو ۲۰۱۶)، تعدادی از موضوعات مشترک ظاهر می شود، از جمله:

- افزایش استفاده از معیارهای عملکردی که تحت استانداردهای حسابداری اندازه گیری نمی -

شوند. (معیارهای غیر GAAP) در گزارش های سالانه، مانند "درآمدهایی که تحت

استانداردهای حسابداری اندازه گیری نمی شوند که اصطلاحاً درآمدهای خیابانی گفته می

شوند.^۳

^۳ street earnings -

به نسخه ای از سود یک شرکت اشاره دارد که بیشتر توسط تحلیل گران و سرمایه گذاران استفاده می شود، نه لزوماً سود رسمی گزارش شده تحت استانداردهای حسابداری GAAP یا IFRS. این سود معمولاً سود تعدیل شده است که برخی هزینه ها یا موارد غیر مکرر مانند هزینه های بازسازی، دعاوی حقوقی یا جبران

- بحث دانشگاهی (آکادمیک) در مورد مربوط بودن ارزش اعداد حسابداری سنتی برای سرمایه گذاران، مانند سود مرسوم و کل حقوق مالکانه

- افزایش واگرایی بین ارزش دفتری و ارزش بازار، که نشان می دهد سرمایه گذاران برای ارزش گذاری شرکت ها از منابع اطلاعاتی جایگزین استفاده می کنند.

با توجه به این انتقادات و نگرانی ها، این پروژه به دنبال کشف فرصت هایی برای شفاف سازی دامنه گزارشگری مالی است. به طور خاص، هدف این پروژه شناسایی چگونگی ادامه گزارشگری مالی برای پاسخگویی به نیازهای اطلاعاتی در حال تحول سرمایه گذاران و ارائه راهنمایی برای کمک به گزارشگری مالی برای آینده در یک زمینه تجاری و اجتماعی پیچیده تر است.

هدف اصلی این پروژه لزوماً گسترش دامنه گزارشگری مالی به خودی خود نیست، بلکه کمک به بازتعریف نقش گزارشگری مالی است تا اطمینان حاصل شود که همچنان به عنوان یک ابزار ارتباطی مؤثر برای «بیان داستان ۴» عملکرد یک واحد اقتصادی باقی می ماند. در انجام این کار، به دنبال اطلاع رسانی از تحولات مداوم گزارشگری مالی با توجه به نیازهای اطلاعاتی در حال تغییر سرمایه گذاران و محیط تجاری پیچیده تر است.

این امر مستلزم کاوش در مسائل، چالش ها و عواملی است که برای گزارشگری در مورد اقلامی که در محدوده گزارشگری مالی قرار دارند، اما اغلب به دلیل نگرانی در مورد عدم قطعیت اندازه گیری، در حال حاضر در گزارش های مالی تولید شده تحت استانداردهای بین المللی اندازه گیری و افشا نمی شوند.

خدمات مبتنی بر سهام را حذف می کند تا تصویری شفاف تر از عملکرد اصلی عملیاتی شرکت ارائه دهد. در این زمینه، "street earnings" بخشی از شاخص های عملکردی غیر GAAP هستند که شرکت ها در گزارش های سالانه خود برجسته می کنند تا نتایج مالی را به روشی که ممکن است برای سرمایه گذاران مطلوب تر باشد، ارائه دهند؛ اگرچه این معیارها تحت استانداردهای حسابداری به طور رسمی تنظیم نمی شوند.

^۴ «بیان داستان» به ارائه اطلاعات مالی به گونه ای اشاره دارد که به وضوح عملکرد، سلامت مالی و فعالیت های تجاری یک شرکت را برای ذی نفعان مانند سرمایه گذاران، ناظران و تحلیل گران توضیح دهد.

به جای ارائه صرف اعداد مالی خام، هدف این است که داده ها در بستر مناسب قرار گیرند تا کاربران بتوانند روندهای اساسی، ریسک ها، فرصت ها و روایت کلی مالی واحد اقتصادی را درک کنند. برای مثال:

- به جای صرفاً گزارش میزان درآمد، یک شرکت ممکن است توضیح دهد که چرا درآمد افزایش یافته است (مثلاً به دلیل معرفی محصولات جدید یا گسترش بازار).
- به جای اعلام سود خالص بدون توضیح، ممکن است بر عوامل کلیدی تأثیرگذار مانند صرفه جویی در هزینه ها یا بهره وری عملیاتی تأکید کند.

این رویکرد باعث می شود که گزارشگری مالی شفاف تر، مفیدتر برای تصمیم گیری و بیش محورتر باشد.

این گزارش تحقیقاتی بر اساس تحقیقات قبلی انجام شده توسط داورن و همکاران (۲۰۱۸، a ۲۰۱۹) است که بر سودمندی تصمیم‌گیری گزارش‌های مالی شرکت‌های بورسی استرالیا متمرکز شده است. تحقیقات پیشین نشان داده است که علی‌رغم انتقاداتی که اغلب به گزارشگری مالی وارد می‌شود، قابلیت تصمیم‌گیری آن همچنان پایدار مانده است. به ویژه، همچنین تاکید شد که برای حفظ ارتباط گزارش‌گری مالی، اعتبار اساسی اطلاعات گزارش شده نباید قربانی شود.

برای مثال، لو و گو (۲۰۱۶) و لو (۲۰۱۸) استدلال می‌کنند که سودمندی صورت‌های مالی در حال کاهش است، که عمدتاً به دلیل روش‌های اندازه‌گیری و گزارشگری گذشته‌نگر است، و خواستار رویکردهای جسورانه جدیدی برای اندازه‌گیری عملکرد مالی دوره‌ای هستند.

از سوی دیگر، پژوهشگرانی مانند دچو و همکاران (۲۰۱۴)، داورن و همکاران (2018)، a ۲۰۱۹ و بارت و همکاران (2021) دیدگاه جایگزینی ارائه می‌دهند و استدلال می‌کنند که ارتباط گزارش‌های مالی برای سرمایه‌گذاران و سایر ذی‌نفعان کاهش نیافته، بلکه نیازمند درک دقیق‌تری است.

به عنوان مثال، با توجه به نتایج تحقیق داورن و همکاران. (۲۰۱۸، a ۲۰۱۹)، گزارشگری مالی به طور مداوم برای سرمایه‌گذاران سهام در طول زمان مرتبط باقی مانده است. این پژوهش همچنین نشان می‌دهد که شاخص‌های مالی غیر GAAP-معاصر، مانند EBITDA و EBIT، همچنان دارای اهمیت هستند، اما به عنوان مکمل، نه جایگزین گزارشگری مالی سنتی.

هدف اصلی این پژوهش بررسی راه‌هایی برای افزایش مربوط بودن گزارشگری مالی است، بدون آنکه مزیت رقابتی منحصر به فرد گزارشگری مالی تنظیم شده به عنوان معتبرترین منبع اطلاعاتی برای بازارهای سرمایه از بین برود. (داورن و همکاران ۲۰۱۹). برای این منظور، ما حوزه‌های موضوعی را بررسی کردیم که در معرض افزایش درخواست‌ها برای گزارشگری و افشای اطلاعات بیشتر بوده‌اند. به طور خاص، ما دو حوزه موضوعی کلیدی را بررسی می‌کنیم که در زیر به اختصار توضیح داده شده است:

- اطلاعات مالی مرتبط با پایداری: با تأسیس هیئت استانداردهای بین‌المللی پایداری (ISSB)، نیاز به گزارش‌دهی پایداری مورد بحث نیست (IFRS 2020)، بلکه موضوع

این است که چه چیزی و چگونه باید گزارش شود. ما از رویکرد "اول اقلیم ISSB" برای پایداری پیروی می‌کنیم و گزارش‌های مالی را با توجه به ریسک‌های اقلیم و انتشار کربن بررسی می‌کنیم. در حالی که اولین پیش‌نویس‌های افشای (ISSB S1 و IFRS) (S2) ۲۰۲۲، (IFRS 2022b)، بر افشای اطلاعات تمرکز دارد، ما بررسی خود را بر روی مسائل مربوط به شناخت و اندازه‌گیری متمرکز می‌کنیم. این با فرض ما (از کار قبلی) مطابقت دارد که شناخت و اندازه‌گیری منجر به گزارشگری معتبرتری می‌شود.

- دارایی‌های نامشهود: ما به طور بالقوه افزایش شناسایی دارایی‌های نامشهود تولید شده در داخل و افشای اطلاعات اضافی در مورد دارایی‌های نامشهود، خواه تولید داخلی یا تحصیل از بیرون، را بررسی می‌کنیم. به عنوان یک موضوع موازی منطقی، با افزایش شناسایی دارایی‌های نامشهود، ما شناخت و اندازه‌گیری بدهی‌های نامشهود را نیز در نظر می‌گیریم. با بررسی شناخت و اندازه‌گیری گسترده‌تر دارایی‌ها و بدهی‌ها، ما در نظر می‌گیریم که چگونه ریسک‌ها و اطلاعات آینده‌نگر بیشتری را می‌توان در گزارشگری مالی قانونی منعکس کرد.

هدف مقایسه و مقابله چارچوب‌های گزارشگری جایگزین (به عنوان مثال، چارچوب مفهومی IASB و چارچوب گزارشگری یکپارچه توسعه‌یافته) نیست. در عوض، ما به دنبال بررسی چالش‌ها و مسائل مشترک در سراسر حوزه‌های موضوعی بودیم تا دستورالعمل‌هایی را ارائه دهیم تا گزارشگری مالی را قادر سازد در خصوص "داستان" عملکرد واحد تجاری در یک محیط تجاری پیچیده‌تر، اطلاعات جامعی را ارائه دهد.

از نظر روش‌شناسی، ما مجموعه‌ای از گروه‌های متمرکز و مصاحبه‌ها را با ذینفعان مختلف، از جمله متخصصان، دانشگاهیان، سرمایه‌گذاران و ناظران با تجربه عمیق در زمینه‌های موضوعی خاص انجام دادیم.

ما در ابتدا قصد داشتیم حوزه موضوعی سومی را هم بررسی کنیم: ریسک و اطلاعات آینده‌نگر، اما در جریان بررسی خود متوجه شدیم که این موضوع در دو حوزه موضوعی دیگر به طور ملموس‌تری

در نظر گرفته شده است. به عنوان مثال، اطلاعات ریسک می تواند شامل قرار گرفتن در معرض ریسک های اقلیمی باشد که بخشی از پایداری نیز می باشد.

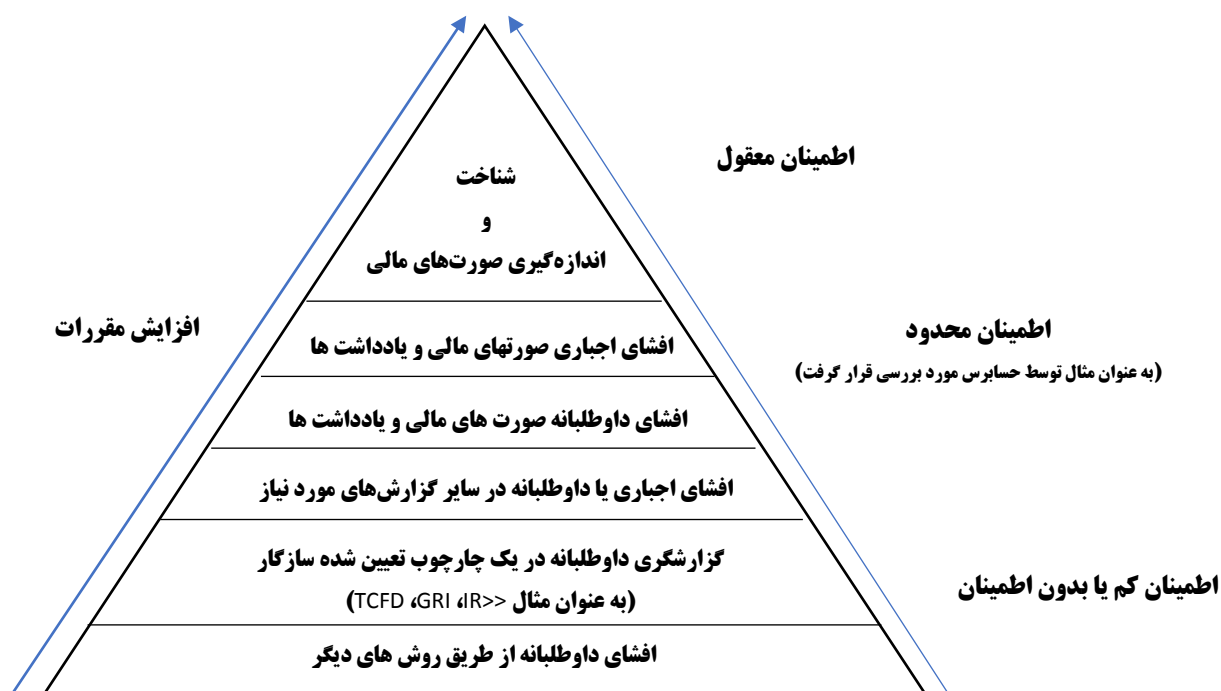
رویکرد تحقیق:

هرم گزارشگری مالی

برای چارچوب تحقیق، هرم گزارشگری مالی (شکل ۱) را به عنوان نقطه شروعی برای تجزیه و تحلیل و بحث ایجاد کردیم. استاندارد طلایی مشخص شده در هرم گزارشگری، شناخت و اندازه گیری کامل مطابق با استانداردهای حسابداری IFRS است.

کار قبلی نشان داده است که به نظر می رسد شناخت و اندازه گیری کامل باعث ایجاد کیفیت بالاتر در داده های اساسی می شود (داورن و همکاران ۲۰۱۹b). این امر احتمالاً به دلیل افزایش توجه مدیریت و حسابرس به مواردی است که در معرض شناخت و اندازه گیری کامل قرار دارند. البته، داده های با کیفیت بالاتر با توجه به چالش های موجود در ارزش گذاری (مثلاً عدم قطعیت اندازه گیری) لزوماً به گزارش با کیفیت بهتر منجر نمی شود.

شکل ۱. هرم گزارشگری مالی



با حرکت بیشتر به سمت پایین هرم، افشاهای داوطلبانه، طبیعتاً مشمول افشای انتخابی هستند و به طور بالقوه باعث تعصب می‌شوند. به این ترتیب، هرم نقش کلیدی مقررات و اطمینان‌دهی را در حصول اطمینان از گزارشگری مالی باکیفیت برجسته می‌کند. مطابق با تحقیقات قبلی (داورن ۲۰۱۹a)، هرم گزارشگری مالی، گزارشگری مالی قانونی حسابرسی شده را به عنوان اتکاپذیرترین منبع اطلاعاتی برای فعالان بازار سرمایه قرار می‌دهد.

ما تحقیقات خود را حول هرم گزارشگری چارچوب بندی می‌کنیم. ما عوامل و موانع انتقال گزارش موارد بالاتر در هرم را بررسی می‌کنیم. با بالا رفتن در هرم، هم قابلیت اتکا و هم اطلاع رسانی گزارش‌ها افزایش می‌یابد. هدف این است که مسیری رو به جلو برای سیاستگذاران و دست اندرکاران ارائه شود، زیرا آنها با چالش‌های سخت افزایش مربوط بودن و در عین حال قابلیت اتکای گزارشگری مالی، دست و پنجه نرم می‌کنند.

از نظر روش‌شناسی، پژوهش ما مستلزم گروه‌های متمرکز و مصاحبه با کارشناسان در زمینه گزارشگری در حوزه‌های موضوعی ما بود. تمام گروه‌های قانونی و مصاحبه‌ها انجام شد، ضبط شد و به صورت حرفه‌ای رونویسی شد و بیش از ۲۸۰۰۰ کلمه متن برای تجزیه و تحلیل ایجاد شد.

در بخش‌های بعدی، تحلیل‌های خاص را در دو حوزه موضوعی کلیدی گزارشگری پایداری (و به‌ویژه ریسک اقلیم) و موارد نامشهود مورد بحث قرار می‌دهیم. سپس یافته‌های خود را در مورد دیدگاه‌ها و رهنمودهای خط‌مشی ادغام می‌کنیم تا گزارش‌هایی را که این حوزه‌های موضوعی را در بر می‌گیرد و تمرکز را به بالای هرم تغییر می‌دهد، امکان‌پذیر کنیم.

با ثابت نگه داشتن سایر عوامل، گزارشگری معتبرتر یک قلم خاص منجر به آرایه اطلاعات مفید بیشتری^۵ از آن قلم می‌شود. با این حال، همانطور که گزارشگری در هرم به سمت بالا حرکت می‌کند، دامنه آن محدودتر می‌شود و بنابر این گزارشگری در کل در آن سطح از هرم لزوماً حاوی اطلاعات مفید بیشتری نیست.

پایداری - گزارشگری مالی مربوط

با ادغام اخیر ISSB (هیئت استانداردهای بین‌المللی پایداری) با هیئت استانداردهای حسابداری پایداری (SASB)، هیئت استانداردهای افشای اقلیمی (CDSB) و بنیاد گزارشگری ارزش (که

^۵ informative reporting

پیش‌تر میزبان استانداردهای SASB، چارچوب CDSB و چارچوب گزارشگری یکپارچه بود)، گزارشگری پایداری به مرحله بلوغ خود رسیده است.

ISSB که اکنون تقویت شده است، وظیفه چالشی "تامین نیازهای روزافزون و فوری برای ساده‌سازی و رسمی‌سازی افشای پایداری شرکتی" (IFRS ۲۰۲۱) را بر عهده دارد. از دیدگاه هرم گزارشگری، ما این چالش را برای پیشبرد شناخت و اندازه‌گیری در گزارشگری مالی مرتبط با پایداری بررسی می‌کنیم.

ما بر ریسک اقلیمی تمرکز داریم و از رویکرد اولویت اقلیم ISSB پیروی می‌کنیم. ابتدا گزارشگری پس از وقوع (ex post) درباره تأثیرات مرتبط با اقلیم را بررسی می‌کنیم و سپس به دیدگاه آینده‌نگر در مورد گزارشگری ریسک اقلیمی می‌پردازیم.

گزارش ریسک اقلیم:

نگاهی به گذشته

از دیدگاه گذشته‌نگر، گزارش ریسک اقلیم، تا به امروز، بر ردیابی انتشار گازهای گلخانه‌ای به عنوان رویکرد اولیه متمرکز شده است. پیچیدگی روزافزونی در ردیابی انتشار گازهای گلخانه‌ای وجود داشته است، زیرا گزارش از "حوزه ۱" (انتشار مستقیم) به "حوزه ۲" (انتشار غیرمستقیم از طریق مصرف انرژی) و در نهایت "حوزه ۳" (هر گونه انتشار غیرمستقیم دیگر) تغییر کرده است. علیرغم پیشرفت در گزارش انتشار گازهای گلخانه‌ای، این سوال باقی می‌ماند که "اگر افشای اقلیم در حال بهبود است، چرا کربن زدایی شتاب نمی‌گیرد؟" (EY، ۲۰۲۱).

واضح است که تغییرات اقلیمی می‌تواند بر ارزش دارایی‌ها، بدهی‌های مرتبط، زنجیره‌های تامین یک واحد تجاری و بازارهای مشتریان تأثیر بگذارد. در واقع، چنین ریسک‌هایی به عنوان «افشا موارد بااهمیت و اطمینان بخش هنگام تهیه صورت‌های مالی، صرف‌نظر از تأثیر عددی آن‌ها» شناسایی شده‌اند (AASB/AAUSB، ۲۰۱۹، ص. ۳).

با این حال، همانطور که یکی از شرکت کنندگان خاطر نشان کرد، ما در حال حاضر از شناسایی و اندازه‌گیری در صورت‌های مالی در این زمینه فاصله داریم:

• ^۶ Ex-post reporting شامل گزارش آثار واقعی تغییرات اقلیمی بر عملکرد مالی یک شرکت (مانند خسارت‌های ناشی از بلایای طبیعی) است.

•

کل مفهوم ارزش‌گذاری دارایی‌ها و در نظر گرفتن کربن، هنوز حتی در ذهن تیم‌های رهبری [هیئت‌مدیره و مدیریت] جا نیفتاده که باید این کار را انجام دهند. تمرکز بیشتر بر مصرف انرژی از منظر تأثیر آن بر تغییرات اقلیمی بوده است، یعنی ابتدایی‌ترین سطح از توجه به پیامدهای مالی افشای اطلاعات مربوط به اقلیم.

همسو با تمایل به ارتقای گزارشگری در مورد جنبه‌های ریسک اقلیمی به سطوح بالاتر در هرم گزارشگری، نیاز به اطمینان‌بخشی را مشاهده می‌کنیم. بهبود اطمینان‌بخشی نسبت به داده‌های پایه کربن، نقطه شروعی است پیش از آنکه به اطمینان‌بخشی در مورد قضاوت‌های مربوط به شناخت و اندازه‌گیری برسیم. با این حال، اطمینان‌بخشی نسبت به داده‌های پایه فرآیندی پیچیده است و نیازمند ورودی از متخصصانی فراتر از حوزه حسابداری و حسابرسی است، همان‌طور که یکی از شرکت‌کنندگان اشاره کرد:

... اطمینان معقول از مجموعه داده‌های کربن مدتی است که اتفاق افتاده است و زمان می‌برد، ورودی‌های زیادی وجود دارد...

با این وجود، نیاز به حرکت بالاتر در هرم مشهود است. افشای داوطلبانه انتظارات را برآورده نمی‌کند، زیرا کیفیت گزارشگری به طور قابل توجهی از پوشش ریسک‌های اقلیمی در گزارش‌ها عقب است (EY ۲۰۲۱)، همان‌طور که یکی از شرکت‌کنندگان توضیح داد:

من به این اندازه مطمئن نیستم که وقتی شرکت‌ها اطلاعات مربوط به کربن، تغییرات اقلیمی یا سایر موارد را افشا می‌کنند، حتماً تأییدی از حسابرس دریافت می‌کنند. مطمئن نیستم که سطح اطمینان در سراسر بازار به صورت یکنواخت اعمال شود، زیرا این افشاگری‌ها به صورت داوطلبانه انجام می‌شوند و در حال حاضر در یک حوزه ناشناخته قرار دارند. در حال حاضر نمی‌توانم به آنها توصیه‌ای قطعی و مشخص در مورد نحوه انجام این کار بدهم، اما نگران این هستم که مفهوم اطمینان معقول در مورد افشای اطلاعات کربنی دقیقاً چه معنایی دارد.

حرکت فراتر از افشای داوطلبانه، در صورتی ضروری است که به یکنواختی و مقایسه‌پذیری لازم دست یابیم، همان‌طور که یکی از شرکت‌کنندگان مشاهده کرد:

ما در حوزه مالی، سیستم‌ها و فرآیندهای گزارشگری قوی‌ای داریم و در نتیجه، فرآیندهای حسابرسی و اطمینان‌بخشی مستحکمی نیز وجود دارد که سازگار و قابل اتکا هستند. اما در این حوزه [حسابداری

کربن/ریسک اقلیمی]، هنوز سازگاری لازم را نداریم و به نظر من، برای دستیابی به آن باید الزامات قانونی وضع شود.

در تلاش برای انتقال گزارشگری به نقطه شناخت و اندازه گیری (بالا ترین سطح هرم گزارشگری)، شرکت کنندگان ما مشاهدات قابل توجه ای را ارائه دادند.

به طور اساسی، آن ها تمایز بین گزارش دهی مالی و غیرمالی را در رابطه با گزارش گیری پایداری از دیدگاه سرمایه گذاران و اعتبار دهندگان تا حدی یک دوگانگی نادرست دانستند.

:

کل حوزه غیرمالی شما، که البته همه آن مالی است، اما به دلیل نبود اصطلاحی بهتر، آن را غیرمالی می نامیم.

...

سرمایه گذاران و اعتبار دهندگان خواستار گزارش دهی در مورد ریسک آب و هوایی هستند، دقیقاً به این دلیل که انتظار می رود در نهایت به عنوان یک تأثیر مالی ظاهر شود. تأثیرات مالی بالقوه ریسک آب و هوایی مشمول عدم قطعیت در اندازه گیری است، اما به طور کلی مشروط نیست - وجود تغییرات آب و هوایی اثبات شده است. این عدم قطعیت در اندازه گیری، چالش هایی را برای تهیه کنندگان گزارش و فرآیند اطمینان بخشی ایجاد می کند، اما یک مانع غیرقابل عبور نیست، همان طور که یکی از شرکت کنندگان اشاره کرد

[یک] عنصر ریسک پذیری [برای] شرکت های حسابداری وجود دارد، ... آنها قبلاً [افشای ریسک اقلیم] را انجام می دادند، اما این کاملاً حوزه ای جدید است و اشتباهاتی رخ خواهد داد.

همان طور که در تلاش برای حمایت از شناخت و اندازه گیری اجباری ریسک آب و هوایی هستیم، باید این کار را به روشی اصولی انجام دهیم. تنظیم مقررات سخت گیرانه راه حل نیست. به نظر می رسد که هدف ارائه اطلاعات مفید به استفاده کنندگان گزارش های مالی، با فراهم کردن زمینه ای برای قضاوت و تفسیر، به بهترین شکل محقق می شود.

.... فکر می کنم وقتی درباره ی یکپارچگی و داده های مربوط به گزارشگری کربن و شاید آنچه گزارش می شود صحبت می کنیم... تصویری کلی تر از گزارشگری شرکتی و نیازهای استفاده کنندگان وجود دارد. در این میان، فضایی برای تفسیر اصول گزارشگری وجود دارد تا "داستان را روایت کند".

...

این تمرکز بر داستان‌سرایی ساختاریافته، قضاوت و تفسیر موضوعی کلیدی است که در داده‌های ما ظاهر می‌شود. این لزوماً به معنای گزارش بیشتر نیست، بلکه گزارش بهتری در مورد آنچه که برای «گفتن داستان» اهمیت دارد، می‌باشد. همانطور که یکی از شرکت‌کنندگان ما به درستی بیان کرده است، این شامل موارد زیر است:

...با حفظ شفافیت، آن را به آنچه که با اهمیت است برگردانید.

عملیاتی کردن مفهوم اهمیت در گزارشگری کربن و تعیین سطح مناسب شفافیت چالش‌های قابل توجهی را به همراه دارد. اهمیت، همان‌گونه که اغلب در گزارشگری مالی اعمال می‌شود، می‌تواند فرمول‌محور باشد و بر اساس اندازه نسبی اقلام خاص در مقایسه با ارقام پایه مانند دارایی‌ها و درآمد تعیین شود. اهمیت یک قضاوت درباره میزان تأثیرگذاری یک قلم گزارش‌شده است، که گاهی مستقل از اندازه آن در نظر گرفته می‌شود.

شفافیت با نیاز مشروع به محافظت از اطلاعات محرمانه شرکتی به چالش کشیده می‌شود. در حالی که ارائه مداوم داده‌های خام از سوی شرکت‌ها از نظر فناوری روزبه‌روز امکان‌پذیرتر می‌شود، هزینه‌ها [تبعات] بالقوه مربوط به افشای اطلاعات محرمانه نشان می‌دهد که به احتمال زیاد هرگز شاهد یک نظام گزارشگری نخواهیم بود که در آن سرمایه‌گذاران بتوانند به این داده‌ها به صورت لحظه‌ای دسترسی داشته باشند تا مدل‌های ارزشیابی و تصمیم‌گیری‌های خود را مستقیماً بر اساس آن تنظیم کنند.

اساساً، این تنش بین اهمیت، شفافیت و هزینه‌های اختصاصی در حال حاضر توسط واحدهایی که حجم و نوع اطلاعات گزارش‌شده را مدیریت می‌کنند، متعادل می‌شود و به طور بالقوه سودمندی اطلاعات برای سرمایه‌گذاران سهام را به چالش می‌کشد.

گزارشگری ریسک اقلیم: نگاهی به گذشته

پس چگونه باید شرکت‌ها در مورد تأثیر بااهمیت ریسک‌های اقلیمی بر ارزش شرکت به اندازه کافی شفاف باشند؟ برای مثال، آیا شناسایی این موضوع از طریق کاهش ارزش مناسب دارایی‌ها کافی است؟ در مورد مسائل گسترده‌تر در زنجیره تامین و بازارهای مشتری چه می‌شود؟ آیا افشاها تحت پیش‌نویس‌های S1 و S2 (IFRS 2022a,b)، نه تنها از نظر وسعت، بلکه شاید مهم‌تر از آن از نظر اعتبار، کافی هستند؟

معیارها و اهداف مطرح شده در پیش نویس استاندارد را نمی توان از نظر اعتبار، معادل با شناخت و اندازه گیری در صورت های مالی دانست، جایی که سیستم های گزارش دهی و فرآیندهای اطمینان بخشی قوی و ساخت یافته هستند. در اصل، این موضوع به گزارش دهی درباره انتظارات فعلی در مورد تأثیرات آتی تغییرات اقلیمی بر ارزش شرکت مربوط می شود.

این رویکرد "رو به آینده" منبعی از نگرانی و تردید برای برخی است، همان طور که یکی از مشارکت کنندگان اشاره کرد:

برخی از این موارد به نظر می رسد که حرکت قابل توجهی از حسابداری سنتی، که به شدت مبتنی بر اطلاعات تاریخی بود، به سوی اطلاعات آینده نگر است—اطلاعاتی که اکنون تلاش داریم آن ها را افشا و گزارش کنیم.

با این حال، ادعا کردن اینکه حسابداری سنتی صرفاً مبتنی بر گذشته است، به وضوح یک برداشت نادرست است. انتظارات نسبت به آینده از دیرباز در گزارشگری مالی سابقه داشته اند، چنان که یکی از شرکت کنندگان در اظهار نظر زیر به آن اشاره می کند:

ما همیشه هنگام محاسبه ارزش دارایی ها به اطلاعات آینده نگاه کرده ایم و طبیعتاً در تلاش برای تعیین جریان های نقدی آتی نیز همین طور بوده ایم. این کار آسان نیست... و من می دانم که بسیاری از افراد در برابر اطلاعات آینده نگر مقاومت می کنند، چون در گذشته با این موضوع احساس راحتی داشته ایم که اطلاعات گذشته و تاریخی را گزارش و حسابرسی می کرده ایم.

با رجوع به چارچوب مفهومی، به وضوح می بینیم که دارایی ها و بدهی ها ماهیتی آینده نگر دارند. چارچوب مفهومی دارایی ها و بدهی ها را بر اساس منابع اقتصادی تعریف می کند. منابع اقتصادی نیز به نوبه خود به عنوان «حقی که پتانسیل ایجاد منافع اقتصادی را دارد» تعریف شده اند. واژه «پتانسیل» ذاتاً به معنای انتظاری نسبت به آینده است.

از نظر عملی، چالش دوباره این است که شناخت و اندازه گیری آثار مالی مرتبط با تغییرات اقلیمی نیازمند دانش تخصصی در این حوزه و آگاهی و شناسایی ریسک هایی است که تغییرات اقلیمی به همراه دارد. یکی از مصاحبه شوندگان به این کرد:

این یک حوزه تخصصی متفاوت است، واقعاً یک حوزه تخصصی متفاوت است و در اینجا نیاز داریم که افرادی را با دانش تخصصی استخدام کرده و وارد کنیم.

چالش های مربوط به شناخت و اندازه گیری همچنین به عدم قطعیت اندازه گیری اشاره دارند که به

شدت تحت تأثیر عدم قطعیت مرتبط با تنظیمات سیاستی آینده دولت‌ها و نهادهای تنظیم‌کننده و تأثیر احتمالی آن‌ها بر کسب و کارها، جمعیت‌ها و الگوهای مصرف افراد قرار دارد:

... فکر می‌کنم تنها بخشی که من آن را به عنوان یک عدم قطعیت عظیم می‌بینم، اقدامات دولت و مقررات دولتی است.

به عنوان مثال، چشم انداز مقررات آتی که انتشار کربن را محدود می‌کند، ممکن است منجر به آسیب رساندن به ارزش دارایی‌های تولیدی شود که انتشار کربن را ایجاد می‌کنند. عدم قطعیتی که به وجود می‌آید این است که محدودیت‌ها چه زمانی ممکن است اعمال شوند و چقدر ممکن است این محدودیت‌ها سخت باشد. این صرفاً عدم قطعیت در جهت نزولی نیست، بلکه عدم اطمینان اندازه‌گیری در جهت صعودی است.

ارزش سرمایه‌گذاری در فناوری‌های کاهش کربن که انتشار کربن را در زنجیره تأمین کاهش، جبران یا حذف می‌کنند، به ماهیت و زمان‌بندی فعالیت‌های نظارتی نیز بستگی دارد. استرالیا در طول ۱۰-۱۵ سال گذشته یک مطالعه موردی نمونه در این موضوع بوده است، با تغییرات بسیار چشمگیر در سیاست‌های مربوط به تغییرات اقلیمی بین دولت‌های مختلف.

مدل‌سازی سناریوی ریسک اقلیم

کارگروه ویژه افشای اطلاعات مرتبط با تغییرات اقلیمی (TCFD)، استفاده از مدل‌سازی سناریو را به عنوان ابزاری مفید برای گزارشگری در مورد تأثیرات احتمالی آینده تغییرات اقلیمی ترویج می‌دهد. با توجه به سناریوهای احتمالی شناسایی‌شده، اطلاعات آینده نگر این امکان را فراهم می‌کند که چگونگی وضعیت یک شرکت به سرمایه‌گذاران منتقل شود.

البته، در اینجا این رویه هنوز در مراحل ابتدایی قرار دارد، توسعه‌ی کافی نیافته و فاقد مقررات و تضمین‌های لازم برای ایجاد اعتبار کافی به منظور استفاده از برآوردهای مبتنی بر سناریو در شناخت و اندازه‌گیری کامل آثار مالی ناشی از ریسک‌های اقلیمی است؛ همان‌طور که یکی از شرکت‌کنندگان اشاره کرده است:

... من اغلب خود را در اتاق‌های هیئت مدیره می‌بینم که ... تأثیر تغییرات اقلیم بر آنها را توضیح می‌دهم که بسته به محل دارایی‌های آنها، چگونه است، به خصوص برای عملیات ساحلی مانند بنادر و غیره که من بندرت با آنها کار می‌کنم. بنابراین، بسیار اساسی است، شناسایی توسط واحدهای

گزارشگر در واقع به کار نیاز دارد. تعداد بسیار کمی از کسانی که من با آنها کار می‌کنم، مدل سازی سناریو خوبی در مورد سازگاری با ریسک تغییرات اقلیمی انجام داده‌اند.

واضح است که ما در نقطه عطفی هستیم، زیرا واحدهای تجاری شروع به بررسی نحوه استفاده از سناریوها برای اطلاع‌رسانی اندازه‌گیری می‌کنند، همانطور که در زیر نظر یک شرکت کننده مشاهده می‌شود:

...بنابراین، آنها تقریباً باید به نقطه A برسند، و متوجه شوند که باید آن نوع سناریو و مدل سازی B را انجام دهند، سپس آن را در نمونه کار خود به کار ببرند و ... افرادی با تخصص مناسب را وارد کنند تا در این زمینه به خوبی صحبت کنند. در این صورت، این موضوع چگونه بر ارزش دارایی‌های موجود در پرتفوی تأثیر می‌گذارد؟

حرکت رو به جلو مبتنی بر تجزیه و تحلیل سناریو برای اطلاع از شناخت و اندازه‌گیری آثار مالی ریسک اقلیم، یک تغییر غیر ضروری است. دو موضوع کلیدی مرتبط با یکدیگر باید در اینجا درک شوند: (الف) چالش‌های مدل سازی و (ب) تغییر از اندازه‌گیری هزینه به اندازه‌گیری ارزش.

چالش‌های مدل سازی

در زمینه مدل سازی سناریوها به منظور اطلاع‌رسانی برای اندازه‌گیری، اغلب به درستی درک نمی‌شود که سه گروه متمایز از مدل‌ها در این فرآیند نقش دارند:

۱. مدل تغییرات اقلیمی،

۲. مدل تأثیرات مالی ناشی از تغییرات اقلیمی که در مرحله (۱) برآورد شده‌اند،

۳. مدل اثربخشی مالی اقدامات واکنشی در برابر تأثیرات مورد انتظار.

با تجزیه مدل‌ها می‌توان دید که مدل‌های مرحله اول (۱) تا حد زیادی یک موضوع علمی هستند نه حسابداری، مدل‌های مرحله دوم (۲) شبیه مدل‌های کاهش ارزش هستند، و مدل‌های مرحله سوم (۳) به شدت به آنها وابسته هستند. مفروضات مربوط به اقدامات آتی مدیریت آثار قابل توجهی بر عدم قطعیت اندازه‌گیری دارد و قابلیت اطمینان مدل‌ها را کاهش می‌دهد. از مدل‌های علمی اتکاپذیر در مرحله ۱ تا مرحله ۳، که به همان اندازه که انتظارات آینده را نشان می‌دهند، اهداف مدیریتی را نیز منعکس می‌کنند.

شناخت و اندازه‌گیری معتبر که به مدل‌های مراحل ۱ و ۲ وابسته باشد، به نظر می‌رسد که کاملاً ممکن است، همانطور که یکی از شرکت‌کنندگان فعال در مدل‌سازی اقلیمی اظهار کرد:

جالب است، چون من زیاد با جامعه علمی سروکار دارم و البته کاهش عدم اطمینان در اندازه‌گیری اصل اساسی کار آن‌هاست، در حالی که سرمایه‌گذاران می‌گویند: «اگر در حدود تقریبی قابل قبولی باشد، کافی است»... بنابراین، من خیلی نگران عدم اطمینان در اندازه‌گیری نیستم. فکر می‌کنم آنچه پیش رو داریم، بهبود سریع مدل‌ها و ابزارهای اندازه‌گیری است که به تدریج این مسئله را برطرف خواهد کرد. در واقع، همانطور که یکی از شرکت‌کنندگان مشاهده کرد، نمونه‌های ملموسی از علم تثبیت شده وجود دارد که قبلاً اطلاعاتی در مورد جنبه‌های بیوفیزیکی محیط ارائه می‌دهد:

اکنون شرکت‌های اقماری وجود دارند که می‌توانند به شما بگویند کانولای شما چقدر خوب رشد می‌کند و در چه روز و ساعتی باید آن را برداشت کنید، بنابراین شما آن را در حسابداری مالی ندارید. از منظر مدل‌سازی، ممکن است انتظار داشته باشیم که شناخت و اندازه‌گیری بر اساس مدل‌های مرحله ۱ و ۲ جایی است که گزارشگری مالی باید حرکت کند. مدل‌های مرحله ۳، به عنوان بیانیه‌های مدیریت، به رغم اعتبار کمتر چنین گزارش‌هایی، شاید بهتر باشد به نوعی افشای داوطلبانه واگذار شوند. قابل توجه است که پیش‌نویس گزارشگری پیشنهادی ISSB در رابطه با «استراتژی» شامل گزارشگری در مورد آثار مورد انتظار استراتژی ریسک اقلیمی واحد تجاری نمی‌شود، تنها شامل افشای تأثیر ریسک اقلیم (یعنی مطابق با مدل‌های مرحله ۱ و ۲) و استراتژی خود است.

اطمینان در این گزینه‌ها کاملاً متفاوت است: اطمینان از «داده‌ها» که می‌تواند به عنوان ورودی قضاوت‌های ارزش‌گذاری توسط سرمایه‌گذاران استفاده شود یا اطمینان از تأثیر مالی مورد انتظار، احتمالاً نسبت به اطمینان از تأثیر مدل‌سازی شده یک هدف مدیریتی در رابطه با ریسک اقلیم بحث برانگیزتر است.

از اندازه‌گیری هزینه تا اندازه‌گیری ارزش

همانطور که گزارش در این فضا تکامل می‌یابد، مدل‌سازی سناریویی که در بالا مورد بحث قرار گرفت، حرکتی از اندازه‌گیری هزینه انتشار کربن تاریخی به اندازه‌گیری ارزش دارایی‌ها و بدهی‌های تحت تأثیر تغییرات اقلیمی را پیشنهاد می‌کند (یعنی مدل‌های مرحله ۲ بالا). همانطور که توسط یکی از شرکت‌کنندگان توضیح داده شد، تجزیه و تحلیل برای دارایی‌ها به شرح زیر است:

دارایی های ما کجاست؟ یک مدل سازی سناریویی پیرامون تغییرات اقلیمی چیست و بنابراین اگر سطح دریا به این میزان افزایش یابد ... آیا ما دارایی های خود را از دست می دهیم؟ آیا ارزش دارایی ها کاهش می یابد؟

البته، این تغییر از مبنای بهای تمام شده (با کاهش ارزش) به ارزش، عدم قطعیت اندازه گیری بیشتری را به وجود می آورد. عدم قطعیت اندازه گیری همیشه تا حدودی وجود دارد. سوال این است که آیا عدم قطعیت اندازه گیری به اندازه کافی وجود دارد که بتوان شناخت و اندازه گیری معتبر و با محتوای اطلاعاتی را انجام داد؟ همانطور که یکی از شرکت کنندگان به درستی این وضعیت را توصیف کرد: ... باید عدم قطعیت اندازه گیری را بپذیریم، همان طور که باید [تغییر] را بپذیریم. من فکر می کنم آنچه که باید روی آن توافق کنیم سطوح مختلف دقت است، احتمالاً بسته به میزان ریسک مالی یا موارد دیگر، مربوط به اندازه گیری است.

اینکه دقیقاً چگونه عدم قطعیت اندازه گیری را گزارش می کنیم یک سوال کلیدی است. تا حدی، این به موازات بحث در مورد گزارش سناریوهای ریسک اقلیم تحت راهنمایی مانند TCFD در مورد سناریوهای مختلف باید ارائه شود. به عنوان مثال، آیا باید یک سناریو و ارزیابی واحد «بهترین برآورد» ارائه شود (همانطور که در حال حاضر چنین است؟)، یا باید چندین ارزیابی مانند سناریوهای «بهترین»، «بدترین» و «محتمل ترین» ارائه کنیم.

با این حال، ما استدلال می کنیم که باید از مدل های مرحله ۱ و مرحله ۲ استفاده کنیم تا گزارشگری مالی مرتبط با ریسک اقلیم را به سمت شناخت و اندازه گیری بالا ببریم.

عدم قطعیت اندازه گیری نباید مانع باشد و رویکرد افشای پیش نویس افشای ISSB احتمالاً منجر به اعتبار کمتر و تعدد معیارها با پیوندهای نامشخص با آثار مالی می شود. سوالی که باقی می ماند این است که چگونه عدم قطعیت اندازه گیری را گزارش می کنیم.

این سوال مختص گزارشگری پایداری نیست، بنابراین ما اکنون به منابع نامشهود روی می آوریم تا ببینیم چگونه عدم قطعیت اندازه گیری در آن زمینه آشکار می شود.

داراییهای نامشهود:

با افزایش تعداد شرکت‌هایی که عملیات خود را بر ارائه خدمات به مشتریان و دانش متمرکز کرده‌اند، ارزش شرکت به‌طور فزاینده‌ای تحت تأثیر دارایی‌های نامشهود قرار می‌گیرد.

با تعداد بیشتری از عملیات شرکت‌ها که حول محور ارائه خدمات و دانش به مشتریان متمرکز شده‌اند، ارزش شرکت به‌طور فزاینده‌ای در حال تبدیل شدن به کالاهای نامشهود است. چالشی که گزارشگری مالی با آن مواجه است، انتقال اطلاعات به سرمایه‌گذاران در مورد دارایی‌های نامشهود، به ویژه دارایی‌های نامشهود تولید شده درون واحد تجاری است که طبق استانداردهای حسابداری IFRS، در حال حاضر در صورت وضعیت مالی شرکت قابل شناسایی نیستند.

مشکلاتی که در طول زمان دیده‌ام این است که ارزش بازار بیش از پیش از ارزش دفتری دور می‌شود. ارزش دفتری برای ارائه اطلاعات مفیدتر استفاده می‌شود.

استدلالی که اغلب برای شناسایی و اندازه‌گیری بهبود یافته دارایی‌های نامشهود ذکر می‌شود، شناخت اختلاف فزاینده بین ارزش دفتری و ارزش بازار است که یکی از شرکت‌کنندگان اظهار نظر می‌کند:

...مشکلاتی که در طول زمان دیده‌ام این است که ارزش بازار بیش از پیش از ارزش دفتری دور می‌شود. ارزش دفتری برای ارائه اطلاعات مفیدتر استفاده می‌شود.

در حالی که این دیدگاه به‌طور گسترده در بین شرکت‌کنندگان وجود داشت، اذعان داشتند که ارزش دفتری و ارزش بازار نباید یکسان باشد ("ما هدف‌مان تعیین ارزش شرکت نیست، هدف‌مان اطلاع‌رسانی به سرمایه‌گذاران است تا آن‌ها بتوانند ارزش شرکت را تعیین کنند؛ و «شما قصد ندارید بازار را نقشه‌برداری کنید، بلکه هدف‌تان این است که بازار را مطلع کنید. "). مطابق با هرم گزارشگری، شرکت‌کنندگان ما اولویت را به شناخت و اندازه‌گیری می‌دهند، با نظراتی مانند:

... در غیاب شناسایی صحیح، افشاگری یک گزینه ضعیف‌تر است، بنابراین تمرکز اصلی باید بر شناخت و اندازه‌گیری صحیح باشد تا جایی که ممکن است و از افشاگری برای ارائه وضوح و بینش اضافی استفاده شود... بنابراین، زمانی که شناخت و افشاگری به‌طور مشترک استفاده می‌شوند، بیشترین قدرت را دارند.

شناخت و اندازه گیری: وضعیت فعلی

در حال حاضر نحوه برخورد با رفتار دارایی های نامشهود بسته به اینکه دارایی های نامشهود تولید داخل واحد تجاری یا تحصیل شده یا بخشی از یک ترکیب تجاری باشد، متفاوت است. استدلال ادعا شده این است که دارایی های نامشهود تحصیل شده از خارج واحد تجاری به راحتی قابل اندازه گیری هستند به دلیل حاصل شدن از یک معامله در شرایط رقابتی و بازاری، با این حال، شرکت کنندگان ما اعتبار این تمایز را با نظراتی، زیر سوال بردند:

...ایده اصلی این است که وقتی چیزی را از خارج واحد تجاری به دست می آورید، همه چیز، حق ثبت اختراع، نام تجاری، لیست مشتریان، بر اساس معامله متعارف، یعنی قیمتی که با رضایت و مذاکره بین خریدار و فروشنده تعیین شده است

حال این سؤال مطرح می شود که آیا این منطق واقعاً برای دارایی های نامشهودی که به صورت داخلی ایجاد می شوند نیز صدق می کند؟

من فکر می کنم اینطور است زیرا اگر شما در مورد فرآیند توسعه دارایی های نامشهود در داخل فکر کنید، اکثر شرکت ها باید از منابع اقتصادی استفاده کنند که قبلاً یا همزمان با این فرآیند به دست آورده اند، مانند تجهیزات آزمایشگاهی مورد استفاده، حقوقی پرداختی به دانشمندان پژوهشی خود، پیمانکار، و مشاورانی که به کار گرفته شده اند و مبالغی که برای بازاریابی شرکت به موسسات تبلیغاتی پرداخت می شود. بنابراین واقعاً از دیدگاه من تفاوتی در این زمینه وجود ندارد.

دیدگاه اجماع شرکت کنندگان ما این بود که تولید داخل واحد تجاری در مقابل تحصیل از خارج واحد تجاری تمایز مفیدی از نظر شناخت نیست، یکی از شرکت کنندگان دارایی های نامشهود که اشاره کرد:

موافقم که دارایی های نامشهود چه تولید داخل واحد تجاری یا تحصیل از خارج واحد تجاری باشند (آنها) یکسان هستند یا می توان آنها را یکسان دید، اما من فکر می کنم شناخت و اندازه گیری آنها در هر دو مورد به همان اندازه دشوار است.

عمیق تر شدن در بحث با شرکت کنندگان نشان می دهد که مشکل واقعاً شناخت نیست، بلکه اندازه گیری است، همانطور که نظرات زیر از دو شرکت کننده مختلف نشان می دهد:

...در حال حاضر تقابل قابلیت شناسایی و عدم قابلیت شناسایی است ... اگرچه از نظر مفهومی من واقعاً ... نمی توانم بفهمم که چرا سرقفلی ایجاد شده در داخل (توسط خود شرکت) ، که یک دارایی است نمی تواند شناسایی شود.

... شما با مشکلاتی مانند ... ارزش گذاری نامشهودهای تولید شده داخل واحد تجاری بسیار دشوار است، چگونه آن را شناسایی می کنید؟

اگر نگرانی ها درباره شناسایی وجود نداشته باشد، پس چالش اصلی باید در اندازه گیری باشد، به ویژه عدم قطعیت در اندازه گیری ، با توجه به الزام برای قابلیت اتکای اندازه گیری در بند ۲۱ (b) استاندارد AASB 138.

نکته قابل توجه در گفته های مشارکت کننده، ظرافت زبانی است: مشارکت کننده در بالا از واژه "ارزش (value)" استفاده می کند نه "هزینه". در مورد دارایی های نامشهودی که در درون واحد تجاری ایجاد شده اند، می توان استدلال کرد که هزینه ها قابل اندازه گیری اند، چرا که – همان طور که در بالا نیز اشاره شد – از منابع اقتصادی بهره می گیرند که از طریق معاملات مستقل به دست آمده اند.

با این حال، ممکن است تفکیک هزینه ها از اجرای عملیات روزانه بر اساس ^۸ (AASB 138.51) امکان پذیر نباشد و از شناسایی دارایی نامشهود جلوگیری کند. چه به دلیل فقدان اندازه گیری اتکاپذیر، یا ناتوانی در تفکیک هزینه ها، نتیجه این است که هزینه های مربوط پس از آن هزینه دوره می شوند که پیامدهای آن را یکی از شرکت کنندگان به درستی به شرح زیر توصیف می کند:

رویکرد فعلی عدم شناسایی اساساً صورت سود و زیان و همچنین ترازنامه را از اعتبار ساقط می کند.

شناخت و اندازه گیری: به سوی آینده

با توجه به تمایل آشکار به بهبود گزارش دهی دارایی های نامشهود تولید شده درون سازمانی، این سوال مطرح می شود که چرا گزارشگری قبلاً در آن جهت حرکت نکرده است؟ همانطور که یکی از مصاحبه شوندگان ما به اختصار بیان کرد:

تنها یک دلیل وجود دارد... دنیا برای آن آماده نیست.

^۷ بند ب-۳۸ استاندارد ۱۷/دارییهای نامشهود ایران

^۸ بند ۵۱ استاندارد ۱۷/دارییهای نامشهود ایران

تشویق به افشای داوطلبانه ممکن است به عنوان یک استراتژی مفید برای بهبود گزارشگری و آماده کردن جهان به نظر برسد^۹ AASB138.128(b) چنین تشویقی را فراهم می کند، اما شواهد اخیر نشان می دهد که هیچ افشای داوطلبانه قابل توجهی در پاسخ به این تشویق وجود نداشته است (داورن و همکاران ۲۰۲۱). در واقع، همانطور که یکی از شرکت کنندگان خاطرنشان کرد، افشای معنادار تنها در صورتی اتفاق می افتد که شناسایی و اندازه گیری وجود داشته باشد:

چون دارایی های نامشهود در ترازنامه وجود ندارند، مردم فکر می کنند که چیزی برای افشا وجود ندارد چون چیزی برای تجزیه و تحلیل دوباره وجود ندارد، بنابراین ابتدا به شناسایی نیاز است تا افشا را تحریک کند.

حرکت به سمت شناخت و اندازه گیری دارایی های نامشهود - حرکت به سمت **بالای** هرم گزارشگری - ما را ملزم می کند دوباره، مانند گزارشگری پایداری، به عدم قطعیت اندازه گیری فکر کنیم، و اینکه چگونه می توانیم به طور مناسب معیارهای به اصطلاح اعداد «نرم» را گزارش کنیم - معیارهایی که درجه بالایی از عدم قطعیت اندازه گیری دارند.

ترکیبها^{۱۰}: به سوی رهنمود خط مشی

کاوش های ما در افق های گزارشگری مالی برای ریسک پایداری/اقلیم و موارد نامشهود، عدم قطعیت اندازه گیری را به عنوان چالش اصلی شناسایی کرد. در حالی که تدوین کنندگان استاندارد مدت ها است که موضوع عدم قطعیت اندازه گیری را تشخیص داده اند، سوال این است که چگونه در زمینه عدم قطعیت اندازه گیری گزارش نویسی انجام دهیم. در این رابطه، یکی از مصاحبه شوندگان پیشنهاد نسبتا جدیدی داشت:

من همیشه رویای یک ترازنامه شفاف را داشتم، جایی که تصور کنید یک لایه پلاستیک شفاف وجود دارد، بنابراین در لایه اول کاغذی که اعداد (سخت) عینی و قابل تایید خود را روی آن می نویسید دارید، مانند وجه نقد و حساب های دریافتنی، و سپس ممکن است یک لایه دیگر شفاف روی آن

^۹ بند ب-۱۰۳ استاندارد ۱۷ داراییهای نامشهود ایران

بگذارید که در آن اعداد (نرم‌تر) مبتنی بر قضاوت و برآورد را قرار دهید و بعد از آن ممکن است لایه
سومی وجود داشته باشد که در آن اعداد حتی (نرم‌تری) ذهنی تر و تخمینی تر دوباره قرار گرفته باشد
در حالی که نیت در اینجا قابل تحسین است، اما این دیدگاه پیچیدگی بیشتری را در گزارشگری ایجاد
می‌کند، چرا که به دنبال تعریف صریح و تمایز بین اعداد عینی و قابل تایید (سخت)، اعداد ذهنی و
برآوردی (نرم) و حتی اعداد برآوردی و تخمینی تر (نرم‌تر) است. این موضوع همچنین مسئله تمایز بین
«داده» و «اطلاعات» را نیز مبهم می‌سازد.

رویکرد جایگزینی که گاهی پیشنهاد می‌شود این است که به جای افشای برآوردهای نقطه‌ای از ارزش،
یک بازه اطمینان افشا شود. باز هم، نیت این رویکرد قابل احترام است، اما اجرای آن با چالش‌هایی
روبه‌رو است.

حتی اگر تعریف یک بازه اطمینان آسان‌تر و کمتر از یک برآورد نقطه‌ای بحث‌برانگیز باشد (که
به احتمال زیاد این گونه نیست)، این کار تفسیر اطلاعات گزارش شده را برای استفاده‌کنندگان دشوارتر
می‌سازد.

علاوه بر این نکته، تصمیم برای کمی‌سازی پدیده‌های پیچیده به زبان مالی، پیامدهای متعددی برای
سازمان‌ها، افراد و جوامع به همراه دارد.
از این رو، اختصاص دادن چندین مقدار برای یک قلم خاص در صورت‌های مالی، تصمیمی نیست که
بتوان آن را به راحتی یا بدون ملاحظات کافی اتخاذ کرد.

استفاده‌کنندگان با نگاهی کلی‌تر و همه‌جانبه به داده‌های گردآوری شده در این مطالعه، روشن می‌شود
که «عدم قطعیت در اندازه‌گیری» لزوماً چالشی نیست که سیاست‌گذاران مجبور باشند با ارائه
راهنمایی‌ها یا استانداردهای صریح در مورد تکنیک‌های اندازه‌گیری آن را حل و فصل کنند.

بلکه آنچه مورد نیاز است، شفافیت در مورد عواملی است که باعث ایجاد دامنه‌ها و منابع مختلف عدم
قطعیت در اندازه‌گیری می‌شوند، شاید از طریق افشای اطلاعات مرتبط در یادداشت‌های همراه
صورت‌های مالی. این کار می‌تواند به استفاده‌کنندگان کمک کند تا بفهمند که معمولاً چه میزان عدم
قطعیتی با اقلام گزارش شده مختلف همراه است و چگونه باید آن را در مدل‌های تحلیلی خود لحاظ
کنند.

استفاده کنندگان گزارشگری مفید برای تصمیم‌گیری و تفسیر گزارش‌های مالی، نیازمند به کارگیری قضاوت حرفه‌ای بوده و همواره نیز باید چنین باشد. از آنجا که عدم قطعیت در اندازه‌گیری مانعی برای شناخت و اندازه‌گیری محسوب نمی‌شود، گزارشگری مالی مرتبط با پایداری و دارایی‌های نامشهود می‌تواند به سمت بالای هرم گزارشگری حرکت کند.

دو نکته احتیاطی باقی می‌ماند. نخست، در هر گونه افشای اطلاعات توسط یک واحد تجاری (از جمله شناخت و اندازه‌گیری کامل)، ممکن است این موضوع مورد توجه قرار گیرد که چگونه می‌توان از هزینه‌های مالکیتی شناسایی شده جلوگیری کرد؛ این هزینه‌ها به افشای اطلاعاتی مربوط می‌شوند که ممکن است از نظر رقابتی حساس باشند.

گزارش اطلاعات به صورت تجمیعی می‌تواند راه‌حلی بالقوه در این زمینه باشد، اما تصمیم‌گیری در مورد اینکه چه سطحی از تجمیع گزارش اطلاعات معنی‌دار را امکان‌پذیر می‌سازد و در عین حال از هزینه‌های اختصاصی بی‌رویه اجتناب می‌کند، سؤالی فراتر از محدوده پروژه فعلی است.

در ارتباط با این موضوع، نیاز است با دقت بیشتری به ماهیت، میزان و عوامل محرک هزینه‌های واقعی مالکیتی ناشی از افشا توجه شود. پژوهش‌های تجربی که به بررسی عوامل و پیامدهای این نوع هزینه‌ها پرداخته باشند، نسبتاً محدود هستند.

این حوزه از ادبیات که اغلب با عنوان «جامعه‌شناسی کمی‌سازی» شناخته می‌شود، معمولاً به بررسی راه‌های گوناگونی می‌پردازد که از طریق آن‌ها کمی‌سازی‌ها می‌توانند بر درک ما از خود، و همچنین بر چگونگی توجه و سازمان‌دهی زندگی‌مان تأثیر بگذارند. برای بحث مفیدی در این زمینه، به اثر Mennicken و Espeland (2019) مراجعه کنید.

این موضوع به دو نکته اشاره دارد:

اول اینکه، نیاز به کار بیشتری وجود دارد تا به شیوه‌ای متفاوت به ماهیت و میزان هزینه‌های مربوط به افشاگری نگاه کنیم.

دوم، و در ارتباط با نکته‌ی اول، این مسئله همچنین نشان می‌دهد که برداشت‌ها یا تصورات مربوط به هزینه‌های مالکیتی (proprietary costs) نباید به تنهایی توجیه‌کننده‌ی سطوح پایین‌تر افشاگری باشند.

هشدار دوم به معیارهای خلاصه مانند سود و کل دارایی ها مربوط می شود. این یک انتقاد دیرینه از بهای تمام شده تاریخی در حسابداری است که منجر به افزودن اقلامی به یکدیگر می شود که با هم قابل مقایسه نیستند همانند افزودن «سیب و پرتقال» به یکدیگر می شود (مثلاً به دلیل اثرات تورمی).

با این حال، این نوعی از تجمیع نیست که در اینجا به عنوان راهی برای ایجاد تعادل بین گزارشگری بهبود یافته و هزینه های اختصاصی شناخته شده پیشنهاد شده است. در عوض، ما به اصول چارچوب مفهومی می پردازیم، و این که نقش گزارشگری مالی ارائه اطلاعات مفید به استفاده کنندگان است تا تصمیمات تخصیص منابع خود را به اطلاع آنها برسانند، نه ارزیابی خلاصه ای از شرکت به عنوان یک کل.

اگر رویکردی را اتخاذ کنیم که نسبت به عدم قطعیت اندازه گیری بیشتر تحمل کند، برخی از مفاهیم غیرجزئی برای گزارشگری وجود دارد. به عنوان مثال، موضوعات ما در زمینه پایداری و دارایی های نامشهود. با رویکردی که امکان گزارشگری معیارهای "ذهنی تر و برآوردی" را فراهم می آورد، نتیجه منطقی می تواند این باشد که یک بدهی نامشهود برای ریسک تغییرات اقلیمی شناسایی شود. از آنجایی که قبلاً بنا را بر این گذاشته ایم که باید دارایی های نامشهود ایجاد شده درون واحد تجاری را هم در نظر بگیریم، بی تردید امکان وجود بدهی های نامشهود اکنون مطرح است، چرا که نگرانی کمتری در مورد عدم قطعیت اندازه گیری داریم.

از آنجا که علم تغییرات اقلیمی را اثبات کرده است، طبقه بندی آن به عنوان بدهی مشروط تنها به دلیل عدم قطعیت اندازه گیری می تواند باشد، نه به دلیل سوال در مورد وجود آن. از دیدگاه تهیه کننده، مسئله این است که چه عددی برای بدهی گزارش شود و چگونه عدم قطعیت اندازه گیری مرتبط با آن گزارش گردد. از دیدگاه حسابرس، سوال این است که میزان اطمینان معقول در مورد گزارش بدهی چنین عدد "ذهنی و برآوردی" چیست.

از دیدگاه سرمایه گذار، سوال این است که چقدر طول می کشد تا سرمایه گذاران با این درجه بالاتر از عدم قطعیت اندازه گیری احساس راحتی داشته باشند (کنار بیایند). پذیرند، که این بستگی به نحوه گزارش بدهی تهیه کنندگان و نحوه تفسیر سرمایه گذاران از افشاگری های مرتبط با عدم قطعیت اندازه گیری دارد.

در نتیجه، انتخاب بین دو رده بالای هرم گزارش‌دهی به این بستگی دارد که کدام یک ((واحد تجاری در مقابل استفاده کننده) بهترین موقعیت را برای ارزیابی مورد گزارش دارد. عدم قطعیت اندازه‌گیری نباید مانعی برای شناخت و اندازه‌گیری باشد، به شرطی که نهادها بتوانند به‌طور مؤثر درجه و منابع اصلی آن عدم قطعیت را منتقل کنند.

البته نقش اطمینان بخشی در اینجا بسیار مهم است. به‌طور گسترده‌تر، مسیر بالقوه رو به جلو مستلزم درک نحوه استفاده از تجمیع برای انتقال اطلاعات ضروری بدون توجه به هزینه‌های اختصاصی است. البته این امر برتری اطمینان را نیز تقویت می‌کند تا مبادا اقدامات انبوه مورد استفاده بی‌معنی شود.

منبع اصلی:

-CPA Australia, 2022. The Horizons of Financial Reporting – Part 1

<https://www.cpaaustralia.com.au/-/media/project/cpa/corporate/documents/tools-and-resources/financial-reporting/reporting-research-initiatives/horizons-of-financial-reporting-part-1.pdf>

References:

-Barth, M.E., Li, K., and McClure, C. 2021. Evolution in Value Relevance of Accounting Information. Stanford University Graduate School of Business Research Paper No. 17-24.
<https://ssrn.com/abstract=2933197>.

-CPA Australia, 2019. A Guide to Understanding Annual Reports: Australian Listed Companies.
<https://www.cpaaustralia.com.au/-/media/>

[project/cpa/corporate/documents/tools-and-resources/financial-reporting/guide-to-understanding-annual-reporting.pdf](https://www.cpaaustralia.com.au/-/media/project/cpa/corporate/documents/tools-and-resources/financial-reporting/guide-to-understanding-annual-reporting.pdf)

-Davern, M., Gyles, N., Hanlon, D., and Pinnuck, M. 2018a. Decision-Usefulness in Financial Reports- Report 5: The Decision-Usefulness of Financial Reports and the Future of (Financial) Reporting. <https://www.cpaaustralia.com.au/-/media/project/cpa/corporate/documents/tools-and-resources/financial-reporting/decision-usefulness-financial-reports.pdf>

-Davern, M., Gyles, N., Hanlon, D., and Pinnuck, M. 2019a. Is Financial Reporting Still Useful? Australian Evidence. *Abacus* 55(1): 237-272. doi:10.1111/abac.12152.

- Davern, M., Gyles, N., Hanlon, D. and Shah, F. 2019b. Implementing AASB 16 Leases: Are Preparers Ready? <https://www.cpaaustralia.com.au/-/media/project/cpa/corporate/documents/tools-and-resources/financial-reporting/implementing-aasb-16-leases-report.pdf>
- Dechow, P.M., Sloan, R.G. and Zha, J. 2014. Stock prices and earnings: A history of research. *Annual Review of Financial Economics* 6(1): 343–363.
- EY. 2021. Global Climate Risk Disclosure Barometer.
https://assets.ey.com/content/dam/ey/sites/eycom/en_gl/topics/assurance/ey-if-the-climate-disclosures-are-improving-why-isnt-decarbonization-accelerating.pdf
- IFAC. 2022. Enhancing Corporate Reporting. <https://www.ifac.org/what-we-do/speak-out-global-voice/points-view/enhancing-corporate-reporting>
- IFRS Foundation. 2020. Consultation Paper on Sustainability Reporting.
<https://www.ifrs.org/content/dam/ifrs/project/sustainability-reporting/consultation-paper-on-sustainability-reporting.pdf>
- IFRS Foundation. 2022a. IFRS Exposure Draft S1: General Requirements for Disclosure of Sustainability-related Financial Information.
<https://www.ifrs.org/content/dam/ifrs/project/general-sustainability-related-disclosures/exposure-draft-ifrs-s1-general-requirements-for-disclosure-of-sustainability-related-financial-information.pdf>
- IFRS Foundation. 2022b. IFRS Exposure Draft S2: Climate-related Disclosures.
<https://www.ifrs.org/content/dam/ifrs/project/climate-related-disclosures/issb-exposure-draft-2022-2-climate-related-disclosures.pdf>
- Lev, B. and P. Zarowin. 1999. The boundaries of financial reporting and how to extend them. *Journal of Accounting Research* 37(2): 353-385.
- Lev, B. and F. Gu. 2016. *The End of Accounting and the Path Forward for Investors and Managers*. John Wiley & Sons, Inc. Hoboken, NJ, USA.
- Lev, B. 2018. The deteriorating usefulness of financial report information and how to reverse it. *Accounting and Business Research* 48(5): 465-493.
- Mennicken, A., and Espeland, W. N. (2019). What's new with numbers? Sociological approaches to the study of quantification. *Annual Review of Sociology* 45: 223-245.